

بازار دلار؛ میدانی که دولت خودبازیگر و داور آن است!

- یک اقتصاددان با تشریح چرخه ورود دلارهای نفتی به بودجه و نقش نرخ تسعیر در تأمین بودجه تأکید کرد: حتی بدون تحریم و مکانیزم ماشه ساختار دستوری اقتصاد خود عامل اصلی جهش‌های دوره‌ای نرخ ارز است.**

افزایش نقدینگی به‌طور مستقیم به تورم منجر می‌شود؛ همان تورم ساختاری و آنچه‌در ادبیات اقتصادی به آن تب‌هلندی یا هسته‌سخت توری می‌گفته می‌شود. این پدیده‌مختص دولت‌فعلی یا دولت‌پیشین و حتی منحصر به دوره جمهوری اسلامی نیست، بلکه از ابتدای دهه ۱۳۵۰ و هم‌زمان با جهش درآمدهای نفتی، این شیوه وارد اقتصاد کشور شد و تاکنون تداوم یافته‌است.

بازی نرخ تسعیر و فنر ارزی؛ ابزار جبران کسری بودجه مزمن این اقتصاددان توضیح داد:بطور تاریخی در نیم قرن گذشته و از همان زمان که درآمد نفتی به‌طور مستقیم وارد بودجه دولت شد هرگاه پس از مستانی، به دلیل آثار تورمی ناشی از این تصمیم، دولت دیگر قادر به تأمین کامل هزینه‌های خود نبوده‌اقدام به افزایش نرخ تسعیر ارز کرده و قیمت دلار افزایش یافته‌است.

وی افزود: این بدان معنااست که مثلاً دولت (بانک مرکزی) اعلام می‌کند دلار که تاکنون ۷ تومان محاسبه می‌شد، از این پس ۱۰ تومان و ۵۰زار محاسبه خواهد شد و این همان پدیده‌ای است که برخی در اقتصاد به آن «فنر ارزی» می‌گویند.

به گفته این استاد دانشگاه دولت برای پوشش هزینه‌های بعدی، این تسرخ را از طریق بانک مرکزی بالاتر می‌برد. بنابراین، تازمانی که اقتصاد به شکل دستوری مدیریت شود و دولت دلارهای نفتی را به بانک مرکزی بدهد و در ازای آن ریال دریافت کند، وضعیت تورمی پابرجاست و فنر ارزی هر چند وقت یکبار آزاد می‌شود و نرخ ارز افزایش می‌یابد.

پرویزیان بیان کرد این فرآیند همواره به دولت امکان می‌دهد بخشی از هزینه‌ها را جبران کند؛ اما در عمل، زمینساز افزایش دورای نرخ ارز است.

فراوانی ارز و تب واردات

نایبرئیس انجمن اقتصاد ایران در ادامه گفت: در مقاطعی بانک مرکزی درآمد ارزی حاصل از فروش نفت را با نرخ مشخص در اختیار بخش خصوصی قرار داده‌است. بخش خصوصی با استفاده از این ارز، اقدام به واردات کالا کرده و همین امر باعث شده مشکل کمبود کالا در بازار ایجاد نشود.

وی افزود: هرچند این سیاست در کوتاهمدت مانع بروز کمبود کالا

گروه اقتصادی – علی‌فروزان فر؛ در پی افزایش نرخ ارز و گمانه‌زنی‌ها درباره ارتباط آن با تحریم‌ها و مکانیزم ماشه و اظهارات فردی مبنی بر اینکه جهش اخیر نرخ دلار ارتباطی به تحریم و «مکانیزم ماشه ندارد و ناشی از مدیریت بانک مرکزی است، در گفت‌وگویی تفصیلی با فراد پروزیان، استادان‌شگاه و نایبرئیس انجمن اقتصاد ایران با پرهیز از واکنش مستقیم به این ادعا، به تشریح دقیق چرخه و سازوکار ورود درآمد نفتی به اقتصاد ایران، اثرات آن بر نقدینگی، تورم و نرخ ارز پرداخته‌شد.

حتی بدون تحریم و مکانیزم ماشه، مشکل ساختاری پابرجاست پرویزیان با تأکید بر این که حتی در غیاب تحریم‌ها و مکانیزم ماشه نیز ساختار اقتصادی ایران با تورم مزمن روبه‌رو است، گفت: گفت، حتی اگر تحریم‌ها و مکانیزم ماشه را به‌طور کامل کنار بگذاریم و فرض کنیم درآمدهای نفتی بدون مانع وارد کشور شده و سر سفره اقتصاد بیاید، بازهم چرخه‌ای در جریان است که منشأ تورم ساختاری و نوسان ارزی می‌شود.

به گفته‌وی، درآمد نفتی یک متغیر برون‌زا است که درون اقتصاد تولید نشده و مستقیماً وارد بودجه دولت می‌شود.

توزیق در درآمد برون‌زای نفتی به بودجه؛ فرآیند خلق نقدینگی و هسته‌سخت تورم

پرویزیان توضیح داد که دولت این دلارهای نفتی را به بانک مرکزی تحویل داده و با نرخ مشخصی که برای تبدیل این دلارها محاسبه می‌شود در ازای آن، ریال دریافت می‌کند.

وی با بیان اینکه بانک مرکزی برای این کار، ریال چاپ می‌کند و با چنین اقدامی نقدینگی تازه خلق می‌شود، تأکید کرد که این جریان همان «تب‌هلندی و «هسته سخت تورم» است.

او با اشاره به اینکه توزیق درآمد نفتی به اقتصاد، چه از مسیر بانک مرکزی و چه از طریق بانک‌های خصوصی، باعث رشد نقدینگی و تداوم تورم ساختاری می‌شود گفت: فرقی ندارد دولت ارز را به بانک مرکزی بدهد یا به بانک خصوصی، در هر دو حالت با دریافت ریال، نقدینگی افزایش یافته و دولت با این نقدینگی برنامه‌هایش را پیش می‌برد.

پرویزیان در ادامه درباره پیامدهای افزایش نقدینگی اظهار کرد:

راهکار تکراری فرزین برای جهش قیمت دلار؛ آقای رئیس؛ هنوز هم «کانال بن بست» مقصر است؟



از گفتگوش با فرزین خبر داده و اظهار کرده است که از رئیس کل بانک مرکزی پرسیده که چطور قصد دارد نرخ ارز را کنترل کند. فرزین در پاسخ گفته است که «کانال‌های تلگرامی درست کرده‌ام و به مردم القا می‌کنیم که دلار به سمت پایین می‌آید و مردم هم بر اساس این اطلاعات، دلار را پایین می‌کشند.» این اظهار نظر اگر درست باشد، نه تنها نشان‌دهنده

مدیریت ناکارآمد بانک مرکزی است، بلکه گواهی بر این است که فرزین بیشتر از آنکه به دنبال سیاست‌های عملی و فنی باشد، به دنبال استفاده از کانال‌های تلگرامی به عنوان ابزاری برای کنترل غیر واقعی نرخ ارز است.

حذف تخصص گرای در معاونت ارزی

بانک مرکزی مسلمانا مدیریت ارزی در بانک مرکزی باید در دست کارشناسان با تجربه و آگاه به امور ارزی و بین المللی باشد، اما در اقدامی عجیب، معاون ارزی بانک مرکزی در ماه‌های اخیر تغییر کرده است و فردی بدون تخصص ارزی و صرفاً سابقه خودورپی به عنوان جایگزین معرفی شده است. این تصمیمات غیر حرفه‌ای و غیر کارشناسانه، نه تنها بحران ارزی را حل نکرده، بلکه وضعیت بازار را پیچیده‌تر کرده‌است. در شرایطی که دلار جدی‌تری در مورد نحوه مدیریت بازار ارز از سوی بانک مرکزی به وجود آمده است، تجربه گذشته نشان می‌دهد که فرزین به جای پرداختن به مشکلات واقعی بازار، بیشتر به دنبال مقصر در کانال‌های تلگرامی است. اما حالا دیگر زمان آن رسیده که بانک مرکزی به جای فضا سازی‌های مجازی، به راه‌حل‌های واقعی و مبتنی بر واقعیت‌های اقتصادی روی آورد. بنابراین، آیا بانک مرکزی همچنان به سیاست‌های بی تأثیر خود ادامه می‌دهد یا بالاخره قدمی عملی و علمی برای حل بحران ارزی برخواهد داشت و از نیروهای متخصص ارزی استفاده می‌کند؟

گروه اقتصادی – قیمت ارز در سایه ناتوانی بانک مرکزی در مدیریت بحران، به سرعت در حال افزایش است. دلار که حالا به رکورد ۱۰۴ هزار تومان رسیده، نشان‌دهنده ناکامی سیاست‌های ارزی است. به نظر می‌رسد فرزین به جای گرفتن تصمیمات تخصصی و فنی، همچنان در جست‌وجوی مقصر در کانال‌های تلگرامی است.

بسا از ارز دوباره در دستان ناتوانی بانک مرکزی گرفتار شده‌است. قیمت دلار این روزها رکورد تازه‌ای به نام خود ثبت کرده و به مرز ۱۰۴ هزار تومان رسیده‌است؛ رشدی که تنها یک چیز را ثابت می‌کند: بی‌توجهی بانک مرکزی به شرایط واقعی بازار و مدیریت آن. در این شرایط بحرانی که بهای دلار روند صعودی در پیش گرفته است، محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی، که قرار بود بحران‌های ارزی را مدیریت کند، به نظر می‌رسد همچون گذشته به جای تصمیمات فنی و تخصصی، به سه کانال‌های تلگرامی و فضای مجازی تکیه و تکیه دارد.

فرزین به دنبال مقصر جهش دلار می‌گردد؟

از سال گذشته تا امروز، نرخ دلار افزایش قابل توجهی داشته‌است. این در حالی است که فرزین در اظهار نظری عجیب در دی ماه سال گذشته، مشکلات بازار ارز را به گردن یک کانال تلگرامی آمریکایی به نام «بن بست» انداخته بود. فرزین در آن زمان مدعی بود که این کانال از ساعت ۹ صبح نرخ دلار را برای تمامی صراف‌ها تعیین می‌کند. این سخنان عجیب از شخص اول بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نه تنها سوالات بی‌جوابی را مطرح کرد، بلکه این پرسش را به وجود آورد که آیا بانک مرکزی ایران واقعاً درگیر مدیریت بازار ارز است یا صرفاً در پی پیدا کردن مقصر در فضای مجازی؟

حالا در شرایطی که بازار ارز به سرعت در حال صعود است، برخی از فعالان اقتصادی مدعی هستند که فرزین به جای گرفتن سیاست‌های جدی و پاسخ‌گویی به نیاز ارزی مردم و فعالان اقتصادی، بیشتر توجه خود را به این کانال‌های تلگرامی معطوف کرده است. رئیس کل بانک مرکزی که در گذشته تلاش داشت مشکلات ارزی را به فضا سازی رسانه‌ای نسبت دهد، احتمالاً این روزها در پی معرفی یک کانال تلگرامی جدید برای فراقتنی بحران ارزی است. سوال اینجاست: آیا بانک مرکزی به تازگی مدیریت علمی و تخصصی بازار ارز، تنها به دنبال مقصر سازی در کانال‌های تلگرامی است؟

راهکار عجیب فرزین برای کاهش قیمت دلار!

در این میان، به تازگی یکی از فعالان اقتصادی

اقتصادی



فروخته می‌شود دسترسی به منابع ارزی به دلیل همین محدودیت‌ها و مشکلات انتقال با تحریم عملی نمی‌شود و صادرات هم در وضعیت رکود قرار دارد. کشور عملاً ورودی قابل توجهی از نظر درآمدی ندارد و حتی وصول عوارض نیز به حداقل رسیده‌است. با چنین محدودیت‌هایی، گزینهای دولت برای تأمین هزینه‌هایسرمایار محدود می‌شود.

او افزود: در چنین شرایطی دولت با باید قیمت بنزین را که به مردم عرضه می‌کند افزایش دهد، با نرخ خدمات عمومی مانند آب و برق را بالا ببرد و یا نهائیات به چاپ پول روی آورد. انتخاب چاپ پول همان چرخه شناخته‌شده افزایش نرخ تسعیر ارز را به جریان می‌اندازد.

پرویزیان در تشریح این روند گفت: حال در ادامه این روند تصور کنید تا دیروز به ازای هر یک دلار، دولت ۱۰۰ هزار تومان از بانک مرکزی دریافت می‌کرد، اما حالا می‌گوید برای جبران هزینه‌ها، این مبلغ باید به ۱۲۰ هزار تومان افزایش یابد. این تغییر نرخ، به معنی بالا رفتن نرخ تسعیر ارز است.

وی تأکید کرد که چنین سناریویی بارها در اقتصاد ایران تکرار شده و پدیده «فنر ارزی» را رقم زده‌است؛ پدیده‌ای که منجر به ۵ یا ۶ جهش قابل توجه نرخ ارز در سال‌های گذشته شده‌است.

نایبرئیس انجمن اقتصاد ایران در پایان تأکید کرد: این واقعیات اقتصادی، مستقل از آن است که چه فرد یا گروهی آن را بیامی می‌کند. هرچند نکته جالب و در عین حال پیچیده این است که گاهی، همان کسانی که خود محصول این نظام معیوب هستند، درباره

به گفته‌وی، این ادعاها آن هم توسط چنین افرادی از جمله داستان‌های عجیب و قابل تأمل این روزگار اقتصاد ایران است.



پایدار منجر خواهد شد. با این حال، باید به یک نکته اساسی توجه کرد: تحریم‌ها بدون شک فشار زیادی بر صنعت هوایی کشور وارد کرده‌اند و در تأمین قطعه و مو تور نقش منفی دارند. اما تبدیل کردن «تحریم» به تنها توضیح برای شاخص‌های پایین بهره‌برداری و بهره‌وری، یک خطای تحلیلی است. تجربه برخی ایرلاین‌های داخلی نشان داده که حتی در همین شرایط محدودیت نیز می‌توان با سادکرد ارزش و روش شناسی صنایع پشتیبان با برنامهریزی دقیق تعمیرات و پیش بینی نیازمندی‌ها، مدیریت تأمین، تدارکات و انبار قطعات، استفاده درست و احترام به حقوق منابع انسانی و افزایش بهره‌وری نرخ دسترس‌پذیری بیش از ۸۵ درصد و ساعات پرواز قابل قبول را حفظ کرد. بنابراین، تحریم به محدودیت واقعی است، نه بهانه‌ای برای توجیه ضعف‌های مدیریتی و عملیاتی که حتی در شرایط دشوار، مدیریت حرفه‌ای و برنامهریزی دقیق در سه اصل پیش‌بینی، برنامه‌ریزی و مدیریت منابع، می‌تواند بهروری و دسترس‌پذیری ناوگان را افزایش دهد."

پروازهای پر؛ ناوگان خالی!

گروه اقتصادی –

یک کارشناس صنعت هوایی گفت: ناوگان هوایی در بخش زیادی از سال، زمین گیر یا در انتظار قطعه هستند و حتی زمانی که عملیاتی می‌شوند، به‌دلیل ضعف برنامه‌ریزی و محدودیت منابع، پروازهای کمتری در مقاصد با ظرفیت واقعی انجام می‌دهند. از زمانی که عملیاتی می‌شوند، به‌دلیل ضعف برنامه‌ریزی و محدودیت منابع، پروازهای کمتری در مقایسه با ظرفیت واقعی انجام می‌دهند.

از سوی دیگر، ضرب اشغال صندلی تقریباً همیشه بالاست. این موضوع بیشتر از آن‌که نشان‌دهنده بهره‌برداری بهینه باشد، بازتابی از کمبود عرضه در برابر تقاضای بالای مسافر در ایران است. به همین دلیل، **Load Factor** یا ضریب اشغال بالای ۹۰ درصد، اگر چه در ظاهر یک موفقیت به نظر می‌رسد، اما در عمل نشان می‌دهد که تعداد پروازها و صندلی‌های عرضه‌شده بسیار کمتر از نیاز بازار بوده‌است. به زبان ساده، هر پروازی که انجام می‌شود پر است، اما پروازهای زیادی اصلاً انجام نمی‌شوند.

بنابراین؛ ضریب اشغال بالا، بدون توجه به سه شاخص یاد شده، به معنای رفتار درخشان مدیریتی نیست که تنها یک فریب زیاست؛ لذا زمانی هنر و عیار مدیریت عیان می‌شود که هر سه شاخص همراه با شاخص ضریب اشغال صندلی بالاترین باشد.

اسین تناقض به‌خوبی ماهیت و وضعیت فعلی را روشن می‌کند؛ شاخص‌های عرضه در دسترس‌پذیری، سیکل و سسات پروازی، پایین است، در حالی که شاخص تقاضا یا ضریب اشغال بالاست. نتیجه چنین وضعیتی از دست رفتن فرصت درآمدی و ناتوانی در پاسخ‌گویی به بازار است. از طرفی دیگر ناترازی جدی میان ظرفیت هواپیما و

بهره‌آب‌دتر خواهد شد. وی گفت: هنگامی که فعالان اقتصادی و مردم پیش‌بینی کنند ماه‌های آینده با بحران شدیدتری همراه خواهد بود، فشار بر بازارها و تورم به‌طور محسوسی افزایش می‌یابد.

بانک مرکزی یا بانک دولت؟

به گفته نایبرئیس انجمن اقتصاد ایران، وقتی بانک مرکزی از نقش سیاست‌گذار پولی فاصله می‌گیرد و صرفاً به کارگزار حساب‌های دولت تبدیل می‌شود، مسیر افزایش نرخ ارز و نرخ تسعیر تکرار خواهد شد. پرویزیان توضیح داد: از آنجا که دولت برای تأمین مخارج خود به درآمد وابسته است و این درآمد باید صرف بودجه شود، در چنین شرایطی (محدودیت درآمدی) یکی از مسیرهایی که در عمل طی می‌شود، افزایش نرخ تسعیر ارز است. در اینجا بانک مرکزی، به جای ایفای نقش سیاست‌گذار پولی، عملاً به بانک دولت تبدیل می‌شود و وظیفه کارسازی حساب‌های دولتی را بر عهده می‌گیرد. نایبرئیس انجمن اقتصاد ایران با بیان اینکه فارغ از انگیزه‌های سیاسی یا فردی منتقدان، واقعیت ساختاری اقتصاد ایران همین است تأکید کرد: بنابر همه این توضیحات، هر فردی که در این باره اظهار نظر می‌کند، فارغ از انگیزه‌ها یا روایت‌های شخصی خود، باید بپذیریم که اساس ماجرا در همین ساختار اقتصادی نهفته است؛ ساختاری که چرخه تورم و افزایش نرخ ارز را بازتولید می‌کند.

نگاشی مالی دولت و کمبود منابع درآمدی

پرویزیان بسا طرح یک نگاه متفاوت توضیح داد: فرض کنید بانک مرکزی دقیقاً همین سیاست‌های فعلی را اجرا می‌کند و حالا شما در جایگاه رئیس‌جمهور قرار دارید. در شرایطی که درآمد نفتی در کار نیست، امکان اخذ مالیات گسترده هم وجود ندارد، نفتی هم که

۵دستور کار اصلی وزیر اقتصاد برای تحول نظام مالیاتی

در مرحله دوم، خوداظهاری است؛ تعیین جرائم بسیار سنگین برای تخلفات در خوداظهاری، به حدی که انگیزه‌ای برای تخلف باقی نماند و حتی مالیات پرداخت نشده سال‌های گذشته با نرخ سود از متخلفان اخذ شود. سوم موضوع برون‌سپاری خدمات؛ استفاده حداکثری از ظرفیت شرکت‌های معتمد و بخش خصوصی در حوزه‌های الکترونیکی و غیر الکترونیکی، به خصوص با حرکت به سمت هوشمندسازی، چهارم سیاست‌گذاری؛ اصلاح آیین‌نامه‌ها و ارسال لایح برای استفاده از معافیت‌ها و تغییر نرخ مالیات‌ها، به منظور پیاپی سازی سیاست‌های کلان اقتصادی و صنعتی و محور پنجم مالیات بر مجموع درآمد خانوار (PIT) یعنی پیاده‌سازی PIT به عنوان یک حلقه گم‌شده در نظام مالیاتی و یارانه‌ای، با هدف تجمیع اطلاعات درآمدی خانوارها و تعیین میزان مالیات یا یارانه دریافتی آن‌ها.

وزیر اقتصا بر ضرورت حذف ریشه‌های فساد و ادراک فساد در سازمان‌های اداری، از جمله سازمان مالیاتی، تأکید کرد و هوشمندسازی را ابزاری مؤثر در این راستا دانست و گفت: جلوگیری از فرارهای مالیاتی از دیگر موارد مهمی است که با سیستمی کردن مالیات، پوشش بیشتری خواهد یافت.

وی افزود: اقدامات سازمان در راستای هوشمند سازی کم نظیر بوده، اقدامات ارزشمندی که انجام شده، مسیر درستی را نشان می‌دهد که باید همین مسیر با قوت و شتاب بیشتری ادامه پیدا کند.

منی زاده در پایان سخنان خود خواستار رویکردی پویا و تحول‌گرا در سازمان امور مالیاتی شد و از مدیران و کارکنان خواست که همواره اهداف بلندتری را دنبال کنند.

کلیه سفارشات

MDF، چوبی

دکوراسیون غرفه و منزل

تلفن:۰۲۷۹۸۲۵۷۷

صنایع چوب

حلاج کیش